

The place of poetry in the political relations of the Timurid era

Abstract:

The Timurid era was one of the most efficient cultural periods in Iran in terms of literature and art. Because the policies of Timur and his successors provided a good ground for cultural activities. The flow of poetry in the Timurid era expanded and flourished as it was welcomed and materially and spiritually supported by the Timurid sultans. Due to the status and high impact of poetry in the Timurid era, Timurid kings and princes used poetry effectively to convince and achieve their goals in political relations. The use of poetry in the political letters of the Timurid period was common and was considered a privilege and a virtue. Poets and writers in the Timurid era had a high political and social status. Thus, Timurid kings and princes were equally important to poetry. Thus, for the Timurid sultans, poetry was an influential tool in the politics of domestic and foreign relations. Although the Timurid rulers were fond of poetry and poets, and many of them wrote poetry themselves; But the cost of Timurid kings and princes for the development of poetry was politically motivated and met their political expectations.

Keywords: Timurid era, poetry, political relations, poets, Timurid sultans.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۱، صص ۱۴۶۸-۱۴۵۶

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.324643.2953>

جایگاه شعر در مناسبات سیاسی عصر تیموریان

علی پرورش رامکی^۱

صالح پرگاری^۲

کاظم میقانی^۳

شهرام یوسفی فر^۴

تاریخ دریافت: ۱۶/۰۶/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۱۴۰۱

چکیده:

عصر تیموریان یکی از کارآمدترین دوره های فرهنگی ایران از نظر ادبی و هنری بود. زیرا سیاست گذاری های تیمور و جانشینان او، زمینه مناسبی برای فعالیت های فرهنگی فراهم کرد. جریان شعر و شاعری در عهد تیموریان، از آنجایی که مورد استقبال و حمایت مادی و معنوی سلاطین تیموری بود، گسترش و رونق یافت. با توجه به منزلت و میزان اثرگذاری بالای شعر در عصر تیموریان، شاهان و شاهزادگان تیموری برای متقاعد کردن و دستیابی به اهداف خود در روابط سیاسی به شیوه ای موثر از شعر استفاده می کردند. بهره گیری از شعر در نامه های سیاسی دوره تیموریان امری رایج بود و یک امتیاز و حسن محسوب می گردید. شاعران و ادیبان در عهد تیموریان از جایگاه سیاسی و اجتماعی والایی برخوردار بودند. بنابراین به همان نسبت شاهان و شاهزادگان تیموری برای شعر اهمیت و اعتبار زیادی قائل می شدند. از این رو برای سلاطین تیموری در سیاست روابط داخلی و خارجی، شعر ابزار اثرگذار به شمار می رفت. اگر چه حکام تیموری دوستدار شعر و شاعران بودند و بسیاری از ایشان خود شعر می سرودند؛ اما هزینه ای که شاهان و شاهزادگان تیموری برای گسترش شعر و شاعری می پرداختند، از پشتوانه سیاسی برخوردار بوده و انتظارات سیاسی آنها را بر آورده می نمود.

واژه های کلیدی: عصر تیموریان، شعر، روابط سیاسی، شاعران، سلاطین تیموری.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

aliparvaresh68@gmail.com

^۲ دانشیار گروه آموزشی تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

pargari@khu.ac.ir

^۳ استادیار گروه آموزشی تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

mighani@khu.ac.ir

^۴ استاد، گروه تاریخ دانشگاه تهران Shyousefifar@ut.ac.ir

عصر تیموریان یکی از کارآمدترین دوره‌های فرهنگی ایران از نظر ادبی و هنری بود. زیرا شعر و شاعری و در بین توده افراد جامعه عمومیت یافته و در ساختار سیاسی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای داشت. علاوه بر اینکه شاعران و ادیبان در مناصب گوناگون سیاسی به کار گرفته می‌شدند، بلکه شعر آنها نیز در مناسبات سیاسی عهد تیموریان ابزار کارآمدی بود. از این رو تبیین جایگاه و نقشی که شعر در روابط سیاسی تیموریان ایفا می‌نمود، حائز اهمیت است. بنابراین پژوهش پیش رو در راستای پاسخ به این سوال صورت می‌گیرد؛ تاثیر گذاری شعر در روابط سیاسی عهد تیموریان چگونه بود؟ می‌توان گفت عملکرد شاعران و حتی شعر آنها با امور سیاسی تیموریان پیوستگی وجود داشت، زیرا از ویژگی‌های خاص دوره تیموریان این می‌باشد؛ که از شعر به عنوان یک ابزار برای دستیابی به اهداف سیاسی استفاده می‌شد. چنان که شعر شاعران در تعاملات سیاسی عصر تیموریان به عنوان یک اهرم نفوذپذیری و تاثیرگذار ایفای نقش می‌نمود.

در ارتباط با جایگاه شعری شاعران در ایران دوره تیموریان، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. از جمله آنها؛ «تاریخ ادبیات در ایران» از ذبیح الله صفا «تاریخ ادبی ایران» اثر ادوارد براون (Edward Brown) «تاریخ ادبیات ایران» تالیف صادق رضازاده شفق کتاب «تاریخ ادبیات ایران» نوشته یان ریپکا (Jan Rypka) فقط به بررسی سرگذشت شاعران و شعر آنها توجه کرده اند. کتاب «پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان» نوشته مهدی فرهانی منفرد، به اقدامات فرهنگی دربار در اواخر تیموریان پرداخته است. آثار دیگری با عنوان «تاریخ ایران در دوره تیموریان» اثر جکسون (Jackson) «تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان» تالیف حسین میرجعفری و اثری از فوربز منز (Forbes Manz) با عنوان «قدرت سیاست و مذهب در ایران عصر تیموری» یک مقاله با عنوان «تاثیر نهاد فرهنگی ادبی بر ادبیات فارسی عصر تیموریان» نوشته احمد خاتمی و مژگان اصغری طرقی می‌باشد. همه این نویسندگان فقط به حمایت شاهان و شاهزادگان تیموری از فرهنگ و ادب توجه نموده اند.

در این پژوهش‌ها به جایگاه و نقش شعر در روابط سیاسی عهد تیموریان پرداخته نشده است. بنابراین به منظور بازشناسی این موضوع، در پژوهش پیش رو علاوه بر بهره‌گیری از این تحقیقات، با توجه به شریط تاریخی، کارکرد شعر در مناسبات سیاسی تیموریان مورد واکاوی قرار می‌گیرد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق کتابخانه و فیش برداری صورت گرفته، در تحلیل مطالب ارتباط پدیده‌ها در فرآیند تاریخی شکل‌گیری شان و چارچوب زمانی و مکانی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. فعالیت سیاسی شاعران و ادیبان:

شاعران و ادیبان به عنوان کارگزاران فرهنگی با گرایش کارگزاران سیاسی که سلاطین تیموری باشند، تجانس داشتند. حافظ ابرو از جمله ادیب و مورخ معروفی است، که هنگام حمله به اصفهان در سال ۷۸۹ ه.ق همراه سپاه تیمور بودند. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳: ۶۶۷؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۳۳) همچنین حافظ ابرو در زمان حمله شاهرخ به آذربایجان در سال ۸۳۴ ه.ق او را همراهی می‌نمود و هنگام بازگشت از این لشکرکشی حافظ ابرو در زنجان وفات کرده، در سرچم زنجان دفن می‌گردد. (فصیح‌خوافی، ۱۳۳۹: ۲۶۶؛ هروی، ۱۳۴۹، مقدمه: ۱۰) ادیب دیگری که در امور سیاسی فعال بود، مولانا نظام‌الدین شامی است. او به همراه مولانا بیکجیک وقتی که در سلطانیه، امیرزاده ابوبکر

و عمر در حال لشکرکشی به همدیگر بودند، بزرگان مملکت برای جلوگیری از درگیری و مصالحه، مولانا نظام الدین شامی و مولانا بیکجیک را بین آن دو واسطه می نمایند و با اقدام آنها، صلح بین ابوبکر و عمر منعقد می گردد. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳: ۶۴ و ۶۵) فعالیت ادیبانی چون نظام الدین شامی و حافظ ابرو در لشکرکشی ها و کشمکش های شاهان و شاهزادگان تیموری، مبین این واقعیت بود که موقعیت و جایگاه ادیبان در ساختار سیاسی تیموریان مهم و با ارزش تلقی می شد.

افکار ادیبان در عهد تیموریان را باید با توجه به جایگاه و شرایط خاص تاریخی که قرار داشتند، بررسی کرد. احمدبن محمد معروف به فصیح خوافی از قبیل مورخ و ادیبی بود، که بیشتر عمر خود را در دیوان و مناسبات سیاسی سپری می کرد. (فوربزمز، ۱۳۹۰: ۱۲۵) شاهرخ که در سال ۸۱۸ ه.ق برای دفع حملات میرزاده بایقرا به فارس رفته بود، فصیح خوافی را در ملازمت خود داشت. (فصیح خوافی، ۱۳۳۹: ۲۲۰) حتی شاهرخ در سال ۸۲۵ ه.ق برای سامان دادن به اوضاع کرمان، فصیح خوافی را به آنجا فرستاد. (همان: ۲۵۱) اضافه بر اینکه او در دیوان شاهرخ و غیاث الدین ترخان خدمت می نمود، مدتی کوتاه هم به خدمت بایسنقر در جایگاه رئیس مالیه مشغول بود. (عقیلی، ۱۳۳۷: ۳۴۱ و ۳۴۲؛ خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۴: ۲) همیشه در فعالیت سیاسی اوضاع به کام فصیح خوافی نبود، چون در سال ۸۴۲ ه.ق مهدعلیا گوهرشاد بر فصیح خوافی خشمگین شده و در سوم ذی الحجه آن سال، فرمان به زندانی او داد. (فصیح خوافی، ۱۳۳۹: ۲۲۰) در پرتو این اطلاعات می توان دریافت، فعالیت و جایگاه ادیبان در عرصه سیاسی مانع از مجازات و برخورد با آنها نمی شد. چنانکه فصیح خوافی حبس را متحمل می گردد. اگرچه در سال ۸۴۵ ه.ق از حبس خلاص می شود.

ادیبان و شاعران، علاوه بر فعالیت سیاسی در حکومت شاهرخ، در دربار سایر شاهزادگان تیموری نیز حضور داشتند. شرف الدین علی یزدی که در ابتدا به ملازمت ابراهیم سلطان در شیراز مشغول بود، پس از آن در سال ۸۵۰ ه.ق هنگام سرکشی محمد پسر بایسنقر از او حمایت نمود. شاهرخ با سرکوب نمودن محمد، دستور به اعدام شرف الدین علی یزدی را داده بود، ولی با شفاعت الغ بیگ و عبداللطیف از آن رهایی پیدا کرد. (E.A.polyakova, ۱۹۹۸: ۴۱) باخرزی، ۱۳۷۱: ۱۰۶؛ میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۴۷ و ۱۴۸) همه ادیبانی که خدمت محمدبن بایسنقر بودند سرنوشت مشترکی پیدا نکردند. زیرا پس از سرکوب محمد توسط شاهرخ بسیاری از همراهان او را به دار کشیدند، از جمله آنها شاعر و ادیب افضل الدین صدرالدین ترکه اصفهانی بود که کشته شد. (صفا، ۱۳۷۲: ۴۹۷) ادیبان و شاعران در بستر سیاسی تیموریان، با توجه به نیاز یا علاقه شخصی به شاهزادگان مختلفی گرایش پیدا می کردند و در برخورد با هر کدام از شاعران و ادیبان در این دوره از قاعده یکسانی پیروی نمی شد. چنانکه با شرف الدین علی یزدی و افضل الدین صدرالدین ترکه اصفهانی که همراه محمد بودن متفاوت عمل نمودند.

در سال ۸۶۸ ه.ق خواجه نعمت الله قهستانی جزو وزرای سلطان ابوسعید بود. (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۳۶۹) خواجه آصفی فرزند نعمت الله قهستانی، چند وقتی وزارت سلطان ابوسعید را بر عهده داشت. آصفی از شعرا و فضایی بود که بعداً مورد توجه علیشیر نوایی و بدیع الزمان میرزا قرار گرفت و در سال ۹۲۳ ه.ق وفات نمود. (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۱۴؛ سمرقندی، ۱۳۶۶: ۳۸۴؛ رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۸۷۱) تسامح و تساهل سیاسی شاهان و شاهزادگان تیموری بیانگر این واقعیت است که برخورد آنها با فرد یا ادیب، اگر چه هم در دستگاه حکومت رقیب خدمت کرده باشد، قهری و سرکوبگرانه نبود. چنانکه سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا رقیب هم بودند، ولی با دستیابی حسین بایقرا به

قدرت، آصفی که از وزرای سلطان ابوسعید بود، مورد توجه امیر علیشیر نوایی و بدیع الزمان که وزیر و پسر سلطان حسین بایقرا بودند، قرار گرفت.

جایگاه شعر در روابط سیاسی:

از جمله پسند های فرهنگی شاهان و شاهزادگان تیموری؛ شعر و شاعری بود، که در تعاملات و ارتباط با دیگران، احساس و خواسته خود را به صورت شعر ابراز می‌کردند. همچنین سیاست‌گذاری‌های سلاطین تیموری، با محیط فرهنگی آنها همبستگی داشت؛ زیرا در عصر تیموریان شعر و شاعری در بستر اجتماعی ترویج پیدا کرده بود. در نتیجه کاربست های شعر در حکومت تیموریان در تعامل با عرصه فرهنگی معنا پیدا می‌کرد. در واقع کاربرد شعر در ساختار سیاسی تیموریان تحت تاثیر فضای شعری و بستر فرهنگی، آن دوره قرار داشت.

خواجه معین الدین جامی که ارتباط نزدیکی با خاندان آل کرت داشت، پس از سلطه تیمور بر هرات در نامه ای نصیحت گونه با حمد و ثنای خدا و بیان صفات مدح گونه نسبت به تیمور، نظر خود را این چنین ابراز می‌نماید: « الملک الدیان، نصرالله رایات غزه و علا، امیر تیمور گورکانی...» در ادامه به وسیله چند بیت شعر توصیه های خود را برای تیمور اعلام نمود:

داد کن که دار الخلد منزل خسروان دادگر است....

نماند به گیتی کسی پایدار همان به که نیکی بود یادگار (نوایی، ۱۳۷۰، ۶۵)

همچنین در همین زمینه مولانا ابوبکر تایبادی طی نامه ای، نصایح خود را در یک رباعی برای تیمور بازگو کردند:

آخر از ملوک را نشیب است، مکن در هر دلکی ار تو تهیب است، مکن

بر خلق ستم اگر سب است، مکن از هر ستمی با تو حسیب است، مکن (همان: ۱)

با توجه به اینکه معین الدین جامی و ابوبکر تایبادی که از عرفای آن زمان بودند، با آگاهی از تاثیرگذاری بیشتر شعر، در مکاتباتشان نصایح خود را برای حکام آن زمان، از جمله تیمور به صورت شعر بیان می نمودند. بنابراین در عصر تیموریان، با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی، شعر به کار گرفته می شد. هنگام لشکرکشی تیمور به بغداد ۷۹۱ ه.ق، سلطان احمد جلایر قطعه شعری را گفته، برای تیمور ارسال کردند:

گردن چرا نهیم جفای زمانه را زحمت چرا کشیم بهر کار مختصر...

یا مراد بر سر گردون نهیم پای یا مردوار در سر همت کنیم سر

تیمور پس از دریافت معنی شعر غبطه می خورد که کاش می توانست جواب آن شعر را خود بدهد، بنابراین جواب شعر سلطان احمد جلایر را خلیل سلطان گفته و برای او ارسال می نماید:

گردن بنه جفای زمان را و سر مپیچ کار بزرگ را نتوان داشت مختصر ...

بیرون کن از دماغ خیال محال را تا در سر سرت نرود صد هزار سر (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۲۳۰)

همچنین در مکتوبی که شاه شجاع مظفری هنگام بستر مرگ برای تیمور، جهت حمایت از فرزندش زین العابدین برای سلطنت فرستاده بود، شعری متعهد گونه را ضمیمه آن کردند:

بقیامت برم آن عهد که بستم با تو تا در آن روز نگوئی که وفاییت نبود ...

بدین مژده گر جان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست.... (نوایی، ۱۳۷۰: ۱۴ و ۱۵)

بکارگیری شعر در ارتباطات سیاسی عهد تیموریان به ویژه در نامه یک حسن محسوب می شد، در واقع این یک حربه جهت متقاعد کردن یکدیگر بود تا به خواسته خود دست یابند. چنانکه در روابط بین شاه شجاع و سلطان احمد جلایر با تیمور از این حربه بهره گرفته می شد. در واقع از ویژگی خاص دوره تیموریان این بود؛ که از شعر به عنوان یک ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی استفاده می کردند. در زمان تیمور، حسن علی جلایر پسر علی جلایر که لطفی تخلص می نمود و در گفتن قصیده تبحر داشت، قصیده ای را در وصف تیمور سرودند و از این طریق مورد لطف او واقع شده، حاکم برخی ولایات و امور سلطنتی قرار دادند. مطلع قصیده این است:

بحمدالله که دیگر ره باقبال شه عادل
برون آمد گلم از خاور خار از پا و پا از گل

هندوی دربان تو چوب سیاست بقهر
از کف خاقان کشید بر سر قیصر شکست... (نویسی، ۱۳۶۳: ۱۰۸)

قبل از حمله به عثمانی و جنگ با ایلدرم بایزید، تیمور به منشی خود مولانا شمس الدین دستور می دهد تا نصیحت نامه ای عتاب آمیز را برای او بنویسد. در نامه نیز چند بیت شعر ستایش آمیز نسبت به سپاه تیمور به منظور تضعیف روحیه سلطان عثمانی ضمیمه نامه می نماید:

سرنامه کرد آفرین خدای
که او دست گیرد به هر دو سرای ...

ز دریا به دریا سپاه من است
جهان زیر پر کلاه من است

ملوک زمان صف زده بر درم
بسیط زمین تنگ بر لشکرم... (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹)

انعکاس شعر در روابط سیاسی دوره تیموریان، با توجه به قابلیت پذیرش بیشتر آن در امور سیاسی به کار گرفته می شد. همچنین آوردن شعر در نامه های سیاسی از جمله معیار رایجی بود که در عصر تیموریان رواج داشت. به همین دلیل وقتی که شاهرخ در روابط سیاسی خود طی نامه ای برای سلطان محمد دوم عثمانی فرزند ایلدرم بایزید، تحرکات قراویونسف قراقویونلو را متذکر شدند، در جواب نامه شاهرخ، سلطان محمد دوم در نامه ای به منظور انبساط خاطر شاهرخ این بیت شعر را می آورد:

شه هفت کشور ممالک ستان
جهان کرم شاهرخ کامران. (همان: ۱۶۵)

در نامه ای دیگر سلطان مراد دوم عثمانی، شاهرخ را چنین مورد خطاب قرار داده است:

سر جداران پناه یلان
شه خاوران شاهرخ کامران (همان: ۲۱۹)

حتی در فتح نامه ای که شاهرخ پس از فتح آذربایجان در حمله دوم خود با سرکوب کردن اسکندر و جهانشاه قراقویونلو به دست آورده بود، چهارده بیت شعر را در آن فتح نامه ذکر می نماید:

گنجشک تحمل چنگال باز کو
روباه را چه طاقت زور غضنفر است ...

چشم فلک ندیده و نبیند بعمر خویش
آن فتح ها که دولت ما را میسر است... (همان: ۲۱۹)

در نظام ارزش گذاری فرهنگی و سیاسی تیموریان، شعر شاعران، جایگاه ویژه ای داشت. به همین دلیل شاهرخ برای ماندگاری و افزایش اقتدار خود در فتح نامه آذربایجان که برای حاکمان ایالات ارسال نمودند، از چهارده بیت شعر استفاده کردند. اما همیشه شعر در عصر تیموریان برای کارگزاران سیاسی ستایش آمیز نبود؛ چون بابا سودایی که از شاعران فعال و منتقد سیاسی در ایبورد بودند، وقتی که جانی قربانی از محصلان مالیاتی شاهرخ در آنجا مرتکب ظلم و جفا گردید. در قصیده ای به شکایت از جانی قربانی پرداخته و در بیت آخر مدح حکومت شاهرخ را به جا می آورد:

ملک ویران شود از جانی قربانی

و ز قزلتای بد میر محمد توفان

حشمی ظالم بی پا و سری گمراه دون

کوه درد ز دود قاپیشه و بی نام و نشان ...

نیک خواهان ترا دولت برلاس باد

بدسگالان ترا محنت جانی قربانی (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۳۱۷ و ۳۱۸)

الغ بیگ هنگامی که به دیدار مشایخ بحرآباد رفتند، به عنوان پیشکش کتاب «نگارستان» تالیف مولانا معینی را تقدیم او می نمایند، از آنجایی که کتاب به سبک گلستان سعدی نوشته شده بود، همواره آن را مطالعه می کرد. (همان: ۲۵۷) تاثیرگذاری و نقش آفرینی شعر به عنوان محصول شاعران در تحولات سیاسی اجتماعی ایران در عهد تیموریا، انعکاسی از جایگاه شاعران در فرآیند رویدادهای سیاسی آن دوره به شمار می رفت. اضافه بر این تسامح و تساهل شاهان و شاهزادگان تیموری، این جرئت را به شاعر آن عصر می داد تا از کارگزاران آنها در ایالات انتقاد نمایند. همانطور که بابا سودایی از عملکرد جانی قربانی که از امرای شاهرخ در ابیورد بود، در قصیده ای شکایت کردند.

شعر شاعران در تعاملات سیاسی دوره تیموریان به عنوان یک اهرم نفوذپذیری و تاثیرگذار ایفای نقش می نمود. در سال ۸۶۴ ه.ق سلطان ابوسعید در حمله به استرآباد که در دست حسین بایقرا بود، با عصیان امیر خلیل حاکم سیستان مواجه شده و سلطان ابوسعید در برگشت از استرآباد، هرات را در محاصره امیر خلیل می یابد. در این شرایط یکی از شاعران همراه او به اسم مولانا حسن شاه، برای توجیه و تضعیف روحیه سپاهیان امیر خلیل قطعه شعری را بر کاغذی نوشته به وسیله تیری بین سپاهیان او پرتاب می کند و لشکر امیر خلیل با خواندن این شعر متزلزل می گردد:

یاران پیام ما برسانید با خلیل

گویند اگر تو را سر سر باخت بود

در روز روزه درد سر ما مده

عیدی بیا که وقت قیق تاختن بود (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹: ۲۴۳ و ۲۴۴؛

میرخواند، ۱۳۳۹، ج: ۶: ۸۲۲ و ۸۲۳؛ خواندمیر، ۱۳۵۳، ج: ۴: ۷۹)

برخی مواقع شاعران برای بیان خواسته هایشان از شاهان تیموری به شعر روی می آوردند. شاعر امیر نورسعید در سال ۸۷۲ ه.ق با رهایی از زندان که در تنگدستی و درماندگی روزگار می گذراند، نیاز خود را در یک رباعی به عرض سلطان ابوسعید می رساند و این چنین خواسته او برآورده گردید:

این بنده شرمنده درمانده بجان

دارد اسبی توقع از شاه جهان

چون همت او بلند و چون بخت قوی

چون دولت او جوان و چون حکم روان (میرخواند، ۱۳۳۹، ج: ۶:

۸۵۴)

ابراز وجود شاعران در موقعیت های مختلف سیاسی که در عصر تیموری با آن مواجه می شدند، این را می نمایاند؛ که واقعیت زندگی روزمره ادیبان و شاعران ارتباط نزدیکی با تحولات سیاسی پیدا می کرد. معین الدین زمچی اسفزاری که شاهد کشته شدن سلطان یادگار محمد توسط سلطان حسین بایقرا بود، غزلی را در وصف آن شرایط سرودند:

... ماند بر رخسارهای زرد تا دور ابد

بر مثال سکه بر زر داغ سلطان یادگار ...

ماند همچون صیت تیغ شاه دین سلطان حسین

تا ابد این شعر نامی در خراسان یادگار (زمچی

اسفزاری، ۱۳۳۹: ۳۶۵ و ۳۶۶)

امیرعلیشیر نوایی که دلبستگی خاصی نسبت به سلطان حسین بایقرا داشت، برای اینکه آن را به نمایش بگذارد، کتاب «مجالس النفائس» را به نام این سلطان تیموری خاتمه می دهد: « هوالمسک این نامه نامی را که به چندین جواهر معانی پرداخته شده به اسم گرام آن حضرت که به منزله مهر نشان سعادت جاودانی است، مزین گردانید.» (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۷۶) همچنین از شعر برای عبرت آموزی در عرصه سیاسی بکار گرفته می شد، یکی از فضلا بر حسب حال هنگام به دار کشیدن وزیر خطاکار سلطان حسین بایقرا، خواجه علا الدین علی صانعی و سیف الدین مظفر شبانکاره، یک رباعی سروده اند و خواندمیر آن را در کتاب دستور الوزرا درج کرده است:

ای دیده بعالم ستمکاره نگر
 در خواجهگی جهان خونخوار نگر
 از حالت صانعی برو تجربه کن
 در حال مظفر شبانکاره نگر (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۳۹۹)
 اعتبار بخشی شعر به سلاطین و امرای تیموری:

شعر ادیبان در ارتباط با شاهان و شاهزادگان تیموری با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی که قرار داشتند، توسط شاعران بکار گرفت می شد. نظام الدین شامی بعد از جنگ آنقره و حمله به گرجستان برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات تیمور، این قطعه شعر را بیان می نماید:

گذشته هشتصد و شش و کسری از هجرت
 که شد مراجعت غزو ارمن و گرگین
 بساخت شهری از این سان به مدت یک ماه
 تمور خدیو جهان قطب ملک و ملت و دین (شامی، ۱۳۶۳):
 (۲۸۹)

همچنین شاعر لطف الله نیشابوری در مدح تیمور این شعر را سرود:
 شاه تمورخان الغ آنکه عدل او
 ساخت غزالی از ایمنی در کنف اسد وطن...
 ای بر رای انوارت سر سپهر منکشف
 در دل پاک گوهرت گنج علوم مختزن... (صفا، ۱۳۷۲، ج ۴: ۲۰۷)
 گفتن شعر مدح گونه توسط ادیبان به اسم حکام تیموری، نمایانگر وابستگی برخی از آنها به دربار تیموریان بود. چنانکه شعر برندق خجندی نسبت به میرانشاه این را نشان می دهد:

بوالفرج سلطان امیرانشه معز ملک و دین
 ای ریمنت مقتبس در نطق استفتای من
 شهریارا قهر کردی برملا، بازم نواز
 تا شود کور از خجالت دیده اعدای من... (همان: ۲۷۱)
 وقتی که میرانشاه در سال ۷۹۱ ه.ق پس از زیارت امام رضا (ع) در برگشت به هرات مراسم استقبال از او در باغ زاغان گرفته بودند، مولانا علاالدین علی قصیده ای را در مدح او گفتند، میرخواند دو بیت از آن را ثبت کرده اند:
 ای زمهر رخ تو ماه منور گشته
 عالم از نگهت زلف تو معطر گشته
 خط مشکین تو بر صفحه کافور غدار
 آیت حسن و جمال است محرر گشته (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۶):
 (۱۷۶)

ابراز احساس و اندیشه شاعران و ادیبان دوره تیموریان در ارتباط با شاهان و شاهزادگان تیموری، به مانند رویدادهای واقعی تاریخی مهم بوده و در کسب موفقیت زندگی روزمره آنها تاثیر مستقیم داشته است. تحولات سیاسی از جمله شرایطی است که در دوره تیموریان، شاعران و ادیبان از آن متاثر می شدند. خواجه فخرالدین عصمت الله ابن مسعود بخاری (عصمت بخاری) تحت تاثیر شرایط سیاسی، وقتی که خلیل سلطان بن میرانشاه به قدرت رسید در مدح او چند قصیده سرودند:

رفیع مرتبه سلطان خلیل پادشهی

که آستان در اوست کعبه آمال ...

زبان الکن عصمت چنان کند وصف

که از ثنای تو گردند خرده بینان لال (صفا، ۱۳۷۲، ج ۴: ۲۸۸)

آوردن صفت های مدح گونه در اشعار ادیبان برای شاهان و شاهزادگان تیموری کوششی برای نزدیک شدن و بهره گیری از آن شرایط سیاسی بود. حافظ ابرو برای اینکه موقعیت سیاسی خود را تحکیم بخشد، در قطعه شعری حکام تیموری را این چنین ستوده است:

ز اولاد تیمورخان صحن گیتی

نخواهی تهی گشت تا روز محشر...

شهنشاه اسلام شهرخ بهادر

که از عدل او گشت گیتی منور...

شهنشه الغ بیگ و سلطان ابراهیم

که هستند شایسته نخست و افسر...

جهان پادشه بایسنقر که قدرش

به رفعت ز اوج سپهر است برتر (به کوشش مایل هروی، ۱۳۴۹: ۱۳ و ۱۴)

(۱۴)

به نظر می‌رسد ابراز احساس شاعران نسبت به حکام تیموری به منظور بهره گیری از لطف شاهان و شاهزادگان تیموری بود، که ولی نعمت خود را به انواع صفات در شعر مدح می نمودند. این می تواند خود بیانگر حس قدرشناسی یا خوش خدمتی ادیبان و شاعران در ارتباط با سلاطین تیموری باشد. به همین دلیل یکی از شاعران به مناسبت وفات شاهرخ در نوروز ۸۵۰ ه. ق قطعه شعری سروده اند، که در کتاب تاریخ جدید یزد ذکر شده است:

خاقان زمان که بود شاهرخ سلطان

در جلگه ری به حکم حی سبحان

یکشنبه کرد روز نوروز و فات

تاریخ وفات اوست خاقان زمان (کاتب یزدی، ۱۳۴۵: ۲۴۳)

هنگامی که الغ بیگ پس از شاهرخ در خراسان قدرت را به دست گرفت، امیرجلال الدین محمد درباره آن شرایط شعری را سروده و الغ بیگ را مدح می نماید:

مظفر الغ بیگ کشور گشای

که در سلطنت ماند اساسی عجیب

چون لشکر به سوی خراسان کشید

میسر شدش فتح و فتحی قریب (بخاری، ۲۰۱۴: ۴۶)

رستم خوریان ضمن اینکه در خدمت الغ بیگ اشتغال داشت در قصائدش، او را به صفاتی حماسی یاد کرده و می ستاید:

شاه و شهزاده الغ بیگ بهادر بداد

زنگ بیداد از آینه ایام زدوید (صفا، ۱۳۷۲، ج ۴: ۲۲۰)

همچنین او در جایی دیگر الغ بیگ را این طور مدح کرده است:

... سریر بخش سلاطین الغ بیگ گورکان

جهانگشای ممالک ستان دشمن مال (همان: ۲۲۴)

با برشمردن این مناسبات بین ادیبان و حکام تیموری، در واقع به سنجش تاریخی این روابط می پردازیم؛ شعر ادیبان به عنوان معرفت و شاهان و شاهزادگان تیموری در جایگاه قدرت، در عصر تیموریان تعامل بین قدرت و معرفت شکل گرفته بود. با نسبت دادن صفات مدح گونه به حکام تیموری، علاوه بر اینکه به آنها مشروعیت و اعتبار می بخشید، ادیبان نیز با این کار برای شاهان و شاهزادگان تیموری جلب توجه کرده و باعث معرفت خود می شدند. چنانکه از اشعار و اشتغال رستم خوریان در درباره الغ بیگ می توان این مسئله را درک کرد. از دیگر ادیبان که در برابر شاهان و شاهزادگان تیموری به سبک مدح گونه گرایش داشت، مولانا قنبری نیشابوری بود. در شعری، ابوالقاسم بابر را این گونه مدح نموده اند:

چون مهر زد به دولت سلطان روزگار تاریخ شد همین که علیشیر مهر زد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۱۰)

همچنین وقتی که علیشیر نوایی به حکومت استریاد گماشته می شود، باز هم توسط برهان الدین مدح می گردد:

آن میر علیشیر که دارد اوصاف برون ز حد تقریر

چون کرد قبول باز امارت تاریخ شود امارت میر (همان: ۲۱۹؛ خلیلی ۱۳۸۳: ۱۵۰ و ۱۵۱)

خواجه قوام الدین نظام الملک از وزرای سلطان حسین بایقرا بود که توسط معین الدین زمیچی اسفزاری مورد مدح واقع می شود:

ممالک را به حسن رای از سر ساخت آبادان قوام الدین نظام الملک عالی رای جم فرمان

به تدبیر و به اخلاق به قدر و رتبت او راشد جهان تابع، ملک طالع، فلک درگه، زخل دربان (به کوشش

مایل هروی، ۱۳۴۹: ۱۳۰ و ۱۳۱)

به نظر می رسد مدح شدن حکام و وزرای تیموری توسط شاعران و ادیبان، متأثر از ارتباط نزدیک و منافع بود که از این طریق عاید شاعران می گردید. شاعران در واقع برای کسب منافع خود از ساز و کار شعری به خوبی استفاده کرده و مترصد یک مناسبت بودند، تا با وصف مدح گونه، نزد سلاطین خودنمایی نمایند. این شکل برخورد مربوط به دوره یکی از شاهان تیموری نبود، بلکه از تیمور تا زمان سلطان حسین بایقرا استمرار داشت، شاعران و ادیبان به عنوان یک قشر از جامعه، از این طریق با کارگزاران سیاسی ارتباط نزدیکی پیدا می کردند. در حقیقت هنجارهای نهاد حاکم در عصر تیموریان به شاعران فرصت می داد، تا وصف جنبه های مثبت شخصیت شاهان و شاهزادگان تیموری را به صورت شعر ابراز نمایند. وجود این فرصت ها در مراکز حکومتی تیموریان برای ادیبان و شاعران، یکی از دلایل تجمع آنها در مراکز حکومتی به شمار می رفت.

جمع بندی و نتیجه گیری:

رونق و گسترش شعر و شاعری در ذیل حمایت های سلاطین تیموری، نمایانگر ارزش و اهمیت قائل شدن به زمینه و بستر فرهنگی شعر در عهد تیموریان بود. از اشعاری که شاعران برای برآوردن اهداف سیاسی تیموریان سروده‌اند می‌توان نتیجه گرفت؛ که شعر در ساختار سیاسی حکومت تیموریان نقش ویژه ای را ایفا می‌کرد، زیرا برخی از شاعران به اسم سلاطین تیموری شعر سروده و صفت های کاریزماتیک به آنها نسبت می‌دادند. این مسئله خود باعث مشروعیت و اعتبار سیاسی آنها می‌گردید. دیگر اینکه شاهان و شاهزادگان تیموری به منظور وزن و اعتبار بخشیدن به نامه های خود در روابط سیاسی از شعر بهره می‌گرفتند، در واقع با به کار بردن شعر در نامه های سیاسی سعی در متقاعد کردن و تاثیر گذاشتن بر طرف مقابل داشتند و گاهی در این امر موفق می‌شدند. دیگر اینکه بین حضور شاعران در امور سیاسی تیموریان و کاربرد شعر در روابط سیاسی آن عصر ارتباطی مستقیم داشت. زیرا در ارتباط نزدیک شاعران با تحولات و اتفاقات سیاسی عهد تیموریان بود که شعر آنها در جریانات سیاسی موثر واقع می‌گردید. دیگر اینکه بین حضور شاعران در امور سیاسی تیموریان و کاربرد شعر در روابط سیاسی آن عصر ارتباطی مستقیم داشت. زیرا در ارتباط نزدیک شاعران با تحولات و اتفاقات سیاسی عهد تیموریان بود که شعر آنها در جریانات سیاسی موثر واقع می‌گردید. همچنین کاربرد شعر در مناسبات سیاسی توسط شاهان و شاهزادگان تیموری، نتیجه علاقه و تعلقات فرهنگی آنها به ادبیات و شعر بود.

فهرست منابع:

- ۱- باخرزی، عبدالواسع نظامی، (۱۳۷۱) مقامات جامی، تصحیح و مقدمه نجیب مایل هروی، نشر نی، تهران.
- ۲- بخاری، محمدامین میرزا محمد زمان، (۲۰۱۴) محیط التواریخ، تصحیح مهداد فلاح زاده و فروغ خاشابیکی، انتشارات بریل، شهر محروسه بوستن.
- ۳- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، (۱۳۸۰) زبده التواریخ، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: سید کمال حاج سید جوادی، ج سوم و چهارم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- ۴- خلیلی، خلیل الله، (۱۳۸۳) آثار هرات، ناشر محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، تهران.
- ۵- خنجی اصفهانی، فضل الله روزبهان، (۱۳۸۲) تاریخ عالم آرای امینی، ج اول، تصحیح محمداکبر عشیق، میراث مکتوب، تهران.
- ۶- خواند میر (غیاث الدین بن همام الدین الحسینی)، (۱۳۵۳) حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، محمد دبیر سیاقی، خیام، تهران.
- ۷- خواند میر (غیاث الدین بن همام الدین الحسینی)، (۱۳۱۷) دستور الوزراء، تصحیح سعید نفیسی، چاپخانه اقبال، تهران.
- ۸- خواند میر (غیاث الدین بن همام الدین الحسینی)، (۱۳۷۲) مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایون، تصحیح میرهاشم محدث، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- ۹- رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، (۱۳۷۸) تصحیح، تعلیقات و حواشی: سید محمدرضا طاهری، ج ۲، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.
- ۱۰- زمیچی اسفزاری، معین الدین، (۱۳۳۹) روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۲، تصحیح سید محمد کاظم امام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۱- سمرقندی، دولت‌شاه، تذکره الشعراء، (۱۳۶۶) به همت محمد رضانی، انتشارات پدیده خاور، تهران.
- ۱۲- شامی، نظام الدین، ظفرنامه، (۱۳۶۳) به اهتمام محمد احمد پناهی سمنانی، انتشارات بامداد، تهران.
- ۱۳- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۷۲) ج ۴، انتشارات فردوس، تهران.
- ۱۴- عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظامی، آثار الوزراء، (۱۳۳۷) به تصحیح و تعلیق جلال الدین حسینی ارموی، محدث، دانشگاه تهران، تهران.

- ۱۵- فرهانی منفرد، مهدی، عبیدالله احرار، (تابستان و پاییز ۱۳۷۷) فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، س ۸، ش ۲۶ و ۲۷.
- ۱۶- فصیح خوافی (فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی)، مجمل فصیحی، (۱۳۳۹) تصحیح و تحشیه محمود فرخ، ناشر کتابفروشی باستان، مشهد.
- ۱۷- قزوینی، ملا عبدالغنی فخرالزمانی، تذکره میخانه، (۱۳۶۷) مصحح احمد گلچین معانی، انتشارات اقبال، تهران.
- ۱۸- کاتب یزدی، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، (۱۳۴۵) به کوشش ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران.
- ۱۹- مایل هروی، نجیب، جامی، (۱۳۷۷) طرح نو، تهران.
- ۲۰- منز، بثاتریس فوربز، قدرت، سیاست و مذهب در ایران عصر تیموری، (۱۳۹۰) ترجمه جواد عباسی، موسسه چاپ انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد.
- ۲۱- میر جعفری، حسین، تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان (۱۳۸۵) سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۲۲- میر خواند (میر محمد بن سید برهان الدین خواوندشاه)، تاریخ روضه الصفا، (۱۳۳۹) ج ۶، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان فر، خیام، تهران.
- ۲۳- نوایی، عبدالحسین، اسناد و مکاتیب تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، علمی و فرهنگی، تهران.
- ۲۴- نوایی، علیشیر، تذکره مجالس النفاثس، ترجمه فخری هروی و مبارکشاه قزوینی، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، کتابخانه منوچهری، تهران.
- ۲۵- نوایی، علیشیر، دیوان امیر نظام الدین علیشیرنوایی «فانی»، به سعی و اهتمام رکن الدین همایونفرخ، انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران.
- ۲۶- هروی، مایل (به کوشش مایل هروی)، جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان، (۱۳۴۹) هرات، بنیاد فرهنگ ایران، تهران..
- ۲۷- یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه، (۱۳۸۷) تصحیح سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، ج دوم، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.

English sources:

۲۸-E.A. Polyakova, timur as described by the ۱۵th century court Historiograophers (۱۹۸۸), Soviet and American Stadies on Central Asia, Vol. ۲۱, No. ۱۱۲, pp ۳۱-۴۴.